

صلاحیت شوراهای حل اختلاف از منظر دادرسی اخلاقی و عادلانه

دکتر یعقوب علیزاده^{۱*}، دکتر فاطمه السادات قریشی محمدی^۲
 ۱. گروه الهیات، فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
 ۲. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۵)

چکیده

زمینه: شوراهای حل اختلاف که در قبل از انقلاب اسلامی در قالب خانه های انصاف فعالیت داشته اند پس از پیروزی انقلاب اسلامی با شرح وظایف نوپا مجدد تشکیل و شروع به کار نمودند. با توجه به تدوین قانون مجازات اسلامی جدید در سال ۱۳۹۲ تغییرات و تاثیر به سزایی در سازمان و نحوه عملکرد این نهاد مشاهده شد. در این مقاله تلاش گردیده صلاحیت شوراهای حل اختلاف از منظر دادرسی اخلاقی و عادلانه مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه گیری: با تشکیل شورای حل اختلاف به نحوه قابل توجهی از مراجعات مردم به دادگستری کاسته شده و بسیاری از دعاوی مردم در این شوراها منجر به صلح و سازش شده و یا اینکه این دعاوی توسط افرادی از بین خود مردم انتخاب شده اند حل و فصل می گردد. اما معایب آن باعث مخدوش شدن یک داور اخلاقی و عادلانه می شود. امید می رود که برای سامان دهی بیشتر شورا، از حضور قضات جوان یا باز نشسته و یا از وکلای دادگستری با سابقه و هم چنین از کارشناسان مجرب و کارآزموده به طوری که بتوانند از تراکم پرونده ها و اطاله آن به دادگستری بکاهند و یا به حد پایین برسانند استفاده شود. و همچنین ارتقاء سطح کیفی شوراهای حل اختلاف از طریق تشکیل جلسات آموزشی برای اعضاء تعیین ضوابط خاص در به کارگیری اعضاء در شوراهای تخصصی کردن آنها و پیش بینی حقوق برای اعضاء می تواند موجب کاهش ایرادات شورای حل اختلاف شود.

کلیدواژگان: شورای حل اختلاف، دادرسی اخلاقی و عادلانه، صلح و سازش

سر آغاز

شورای حل اختلاف^۱ در قالب یک نهاد شبه قضایی در جهت کم کردن تراکم پرونده در محاکم قضایی و رسیدگی بهینه با فراغت و آسودگی قاضی و در نهایت احقاق حق طرفین دعوی و رضایت خاطر شهروندان در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. پرواضح است که در اکثر مخاصمات معمولاً یکی از طرفین از احکام صادره ناراضی خواهد بود ولیکن اساس اجرای قوانین مدون هماهنگ با شریعت اسلامی در اولویت می باشد و از طرفی با توجه به تاریخچه ی شورای حل اختلاف، البته در قالب خانه های انصاف و حل و فصل کدخدا منشی نشات گرفته از آیه شریفه ی (انما المومنون اخوه و فاصلحو بین اخویکم) می باشد که امید است با تدوین قوانین و آیین نامه های مشروع و هماهنگ با زمان و گزینش افراد صالح عندالزوم با تخصص قضایی این خواسته برآورده گردد.

با توجه به آسیب ها و چالش های پیش روی شورای حل اختلاف در دادرسی اخلاقی^۲ و عادلانه^۳، لازم و ضروری به نظر می رسد تا صلاحیت شوراهای حل اختلاف از منظر دادرسی اخلاقی و عادلانه مورد بررسی قرار گیرد.

بحث

شیوه تشکیل شورای حل اختلاف به عنوان یک نهاد شبه قضایی

سابقه فعالیت نهاد شبه قضایی^۴ در کشور به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برمی گردد به طوری که قانونگذاری مدون، حل اختلافات و دعاوی توسط حکام شرعی و مجتهدین صورت می گرفت. این حکام منصوب حکومت نبودند، بلکه مجتهدین و کسانی بودند که در فقه اسلامی تبحر داشته و مردم محل، خود آژادانه جهت حل و فصل اختلافات به آنها مراجعه می کردند.

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: y_alizadeh@pnu.ac.ir

دکتر یعقوب عزیززاده و دکتر فاطمه السادات قریشی محمدی: صلاحیت شوراهای حل اختلاف از منظر دادرسی اخلاقی و عادلانه

در دادگستری و عدم سرعت و بعضاً عدم دقت کافی در حل و فصل دعاوی و احقاق حق، مجدداً فکر احیا نهاد قضایی مردمی در قالب شوراهای حل اختلاف، تبلور یافت (۳).

بدین ترتیب نهاد جدید الولاده «شورای حل اختلاف» در سیستم قضایی ایران و در کنار آن شروع فعالیت نمود و این رویکرد هر چند مخالف قانون اساسی^۷ بنظر می رسد، زیرا وظیفه احقاق حق و رسیدگی به تظلمات از وظایف دادگستری است (اصول ۳۴ و ۱۵۶ قانون اساسی)، اما با توجه به وضعیت دادگستری و تراکم بیش از حد پرونده ها و سرازیر شدن کلیه اختلافات ریز و درشت اجتماعی به سمت دادگستری، پیش بینی چنین نهادی متصور بود.

آیین نامه اجرایی این ماده نیز تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه در روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۴۷ سه شنبه پنجم شهریور ماه ۱۳۸۱ منتشر گردید.

اختیارات شورای حل اختلاف

طبق قانون جدید شوراهای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی شورا در سه بخش دیده شده است:

اول- صرفاً جهت صلح و سازش فیما بین طرفین دعوی و آن هم بر اساس تراضی اولیه طرفین که شورا نسبت به این امر اقدام نماید.

در ۳ محور:

الف) کلیه امور مدنی^۸ و حقوقی

ب) کلیه جرایم قابل گذشت (جرائمی که با گذشت شاکی خصوصی دعوی مختومه می گردد).

ج) جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت.

شایان به ذکر است تلاش برای صلح و سازش حتماً باید بر اساس توافق و تراضی طرفین در شورا آغاز و انجام شود و چنانچه درخواست توسط یکی از طرفین باشد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را اعلام نماید شورا درخواست را بایگانی نموده و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی می کند (۴)

دوم - الف) شورا در موارد زیر رسیدگی و مبادرت به صدور رای می نماید:

۱- تأمین و حفظ دلیل.

۲- در جرائم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات راهنمایی و رانندگی که مجازات نقدی قانونی آن حداکثر و مجموعاً تا سی میلیون ریال و یا سه ماه حبس است.

ب) قاضی شورا در موارد زیر با مشورت اعضا شورای حل اختلاف رسیدگی و مبادرت به صدور رای می نماید:

۱- دعاوی مالی تا ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال.

۲- کلیه دعاوی مربوط به عین مستاجر به جزء دعاوی مربوط به سرقفلی و حق کسب و پیشه.

۳- صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن.

این مراجع دعاوی را بر اساس مقررات اسلامی^۵ و با در نظر گرفتن رسوم و سنت محلی حل و فصل می نمودند (۱).

ضمنان اجرای تصمیمات اخذ شده توسط آنها، نفوذ معنوی و مذهبی و شیخوخیت آنها بود. عبارتی محاکم شرعی غیر رسمی، بوسیله مجتهدین، که برای خود حق ولایت و حکومت قایل بودند و مردم را از مراجعه به حکام جور منع می کردند، عهده دار حل و فصل دعاوی و احقاق حق بودند. بنظر برخی، محضر شرع خود خانه انصافی بود که صرفنظر از ارجاع کار از طرف مقامات حکومتی و دادگستری، خود مردم برای آشنا شدن به مسایل شرعی، فیصله دادن کارهای معاملاتی، تنظیم قبالة جات ملکی یا حکمیت شرعی، در اختلافات حقوقی و غیر حقوقی و ترافع شرعی و سایر احوالات شخصی، به طیب خاطر، به این محاضر که به آنها اعتماد داشتند مراجعه می نمودند، در امر استفتاء، ثبت معامله، یا عقد و ازدواج، تحصیل گواهی حصر وراثت، نصب قیم، ضم امین، متولی و سایر امور مبتلا به از آنها استمداد می طلبیدند (۲).

به طوری که، پس از انقلاب مشروطه و تلاش و تکاپوی مشروطه خواهان جهت تشکیل حکومت قانون و ایجاد تشکیلات عدلیه نوین، آن دسته از روحانیونی که نمی خواستند تأسیسات جدید را به هیچ عنوان بپذیرند و از اکثریت برخوردار بودند و تشکیلات دادگستری را فاقد صلاحیت امر قضا می دانستند از دلایل اصلی تأخیر در ایجاد دادگستری بودند (۱).

در فروردین سال ۱۳۴۴ قانون تشکیل خانه انصاف به منظور حل و فصل اختلافات میان ساکنان روستاها، از طریق شورائی، به تصویب رسیده بود.

در تاریخ ۱۳۵۶/۳/۲۱ قانون جامع تری برای حل و فصل سازشی دعاوی، بنام قانون شورای دآوری به تصویب رسید. این شورا در کلیه اختلافات سعی می نمود موضوع را با سازش خاتمه دهد، و با تصویب این قانون، قانون تشکیل شورای دآوری مصوب ۱۳۴۵ و اصلاحی آن مصوب ۱۳۴۸ ملغی گردید. بموجب این قانون، شورای دآوری تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به حل و فصل دعاوی می پرداختند (۳).

تأسیس «خانه های انصاف» و «شورای دآوری^۶» قبل از انقلاب اسلامی، در حقیقت گامی در جهت سهیم نمودن مردم در حل و فصل دعاوی بود. پس از وقوع انقلاب اسلامی و با تأسیس سازمان قضایی جدید، مسئولین دستگاه قضایی، با طرح این امید در افکار عمومی که در کلیه شئون قضایی از مجتهدین جامع الشرایط بعنوان قاضی استفاده خواهد شد، نه تنها دو نهاد قضایی - مردمی «شورای دآوری» و «خانه انصاف» را بکلی تعطیل نمودند، اعتبار دآوری نیز به دلیل آنکه داور یا داوران اغلب فاقد شرایط اجتهاد بودند، تا مدت‌ها مورد تردید قرار گرفت. با تصویب لایحه قانون تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۳۵۸ و بموجب ماده ۱۵ آن، صلاحیت مقرر در قانون شورای دآوری مصوب ۱۳۵۶ به دادگاههای صلح واگذار شد. ولی قانون تشکیل خانه انصاف بدون اینکه توسط قانونی نسخ گردد، در زمره قوانین متروک درآمد. پس از بیست و اندی سال با افزایش دعاوی و تراکم پرونده ها

نماید. حقوق به ویژه در بخش آیین دادرسی خود، علی الاصول بر پایه اندیشه عدالت بنا گردیده است و آیین دادرسی به منظور اجرای عدالت و اصل تساوی بودن قانون برای همگان، حفظ حقوق بنیادین طرفین دادرسی تأسیس و تنظیم گردیده است. لذا پایه و اساس اصل مطلوبیت آیین دادرسی مبتنی بر جایگاه اصول دادرسی عادلانه و منصفانه است (۶).

تضمینات آیین دادرسی، تحت تأثیر آموزه های مبتنی بر اخلاق و رعایت حقوق بشر^{۱۱}، در حقوق داخلی مشهود می باشد. دادرسی منصفانه، با ارائه مجموعه واحدی از تضمینات، یک دستاورد و نوآوری قابل توجه در عرصه دادرسی تلقی شده و واجد آثار حقوقی و عملی جدی بر تضمین واقعی و مؤثر حقوق شهروندی^{۱۲} است. بنابراین دادرسی منصفانه در قوانین و مقررات نامتعارف و غیر منصفانه جایگاهی ندارند. در قلمرو اعمال دادرسی منصفانه، رویکرد موسع دادرسی منصفانه، هیأت های شبه قضایی همچون شورای حل اختلاف و فرآیندهای تصمیم گیری آن را شامل می گردد.

در شورای حل اختلاف به عنوان یک مرجع شبه قضایی با رویکرد تصالحی و ایجاد سازش، از یک سو رسیدگی در شورا مطابق قوانین و مقررات حاکم، تابع تشریفات و اصول دادرسی نمی باشد و از طرفی رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد تابع مقررات آئین دادرسی مدنی و کیفری است این موضوع با توجه به عدم حضور و رسیدگی قاضی در جلسه شورا موجب تناقص و تعارض در صدور رای می گردد. زیر صدور رای نتیجه و برآیندی از فرایند رسیدگی می باشد و در عمل قاضی شورا نقشی اساسی در آن ایفاء نمی نماید. بنابراین در راستای رعایت قواعد و اصول دادرسی لازم است که موضوعات مطروحه در شورا از بدو ورود از حیث سازشی و توافقی تفکیک گردد. موضوعات سازشی بدون رعایت تشریفات دادرسی توسط اعضای شورا و موضوعات توافقی با حضور قاضی شورا در جلسه رسیدگی با رعایت اصول دادرسی و تشریفات حاکم رسیدگی گردد تا بدین نحو در عمل در این مرجع قضایی دادرسی عادلانه محقق شود (۸ و ۹).

آسیب های گریبان گیر شورای حل اختلاف

مهمترین چالش هایی که پیش روی شوراهای حل اختلاف هستند تبدیل شدن از یک نهاد با هدف صلح و سازش و شبه قضایی به یک نهاد قضایی است که با توجه به نبود کادر حقوقی با تجربه و هم چنین مقررات جامع مغایر با نظام قضایی توأم با دادرسی اخلاقی و عادلانه خواهد بود که باید برای رفع تمامی این مشکلات اقدام شود و این مسیر نیست مگر با تصویب قانون جدید و همه جانبه (۱۰ و ۱۱).

در باره معایب قانون کنونی شوراهای حل اختلاف می توان گفت: از جمله معایب قانون شوراهای حل اختلاف تبدیل شدن این شوراهای حل اختلاف از یک نهاد شبه قضایی به یک نهاد قضایی است. هم چنین دور شدن این شوراهای حل اختلاف از هدف اصلی تشکیل آنها یعنی حل و فصل اختلافات از طریق کدخدانمشی و صلح و سازش و هم چنین در عمل ایجاد تشریفات زائد

۴- ادعای اعسار از پرداخت محکوم به (آنچه که فرد به پرداخت آن محکوم می گردد) در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد ضمناً در دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی دادگاه می تواند صرفاً برای یکبار و حداکثر تا دو ماه زمان انتظار موضوع اختلاف را به شورای حل اختلاف جهت ایجاد صلح و سازش ارجاع نماید. البته این ارجاع مقید و مشروط به آن است که امکان حل و فصل و سازش بنا به موضوع و طرفین پرونده از طریق ریاست محترم دادگاه تشخیص داده شود.

سوم - دعاوی زیر قابلیت طرح در شورا را حتی با توافق طرفین ندارد: الف) اختلاف در اصل نکاح - اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع و نسب.

ب) اختلاف در اصل وقفیت وصیت، تولیت.

ج) دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی.

د) دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی.

ه) اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع غیردادگستری است (مانند اختلافات کارگر و کارفرما، بیمه، مالیات... (۴).

اخلاق و دادرسی عادلانه در شورای حل اختلاف

این تفکر که قانون هر آنچه را که یک مساله حقوقی بدان نیازمند است در خود دارد کانون اندیشه مکتب شکل گزایی حقوقی را تشکیل می دهد. تفکری که بر اساس آن قانون برای رای در یک دعوی صرفاً بر اساس قانون می تواند مساله را حل کند و نیازی به فراتر رفتن ندارد. اما واقعیت چیز دیگری است و قانون به لحاظ اینکه قابلیت پیش بینی همه مسایل را ندارد و اینکه با ابزار زبان بیان شده و زبان همواره ابهام دارد، دچار عدم تعیین و ابهام است. همچنین قاضی ممکن است استنباط ها و برداشت های متعددی از مفاهیم حقوقی داشته باشد چرا که همواره روشن نیستند. بنابراین ابهام در قانون باعث می شود نیازمند یک قاعده برون قانونی باشیم و آن چیزی نیست جز اخلاق. لذا مساله حقوقی از این منظر به یک مساله اخلاقی^۹ تبدیل می شود و در هر دادرسی رعایت اخلاق و عدالت الزامی می شود. (۵ و ۶)

در تاریخ حقوق عمومی همواره سعی بر این بوده است که ضمن پذیرش حاکمیت دولت و نهادهای عمومی، با ابزارهای مختلف قدرت عمومی تعدیل، کنترل و مهار شود. تعدیل و کنترل قدرت منجر به تحقق عدالت می گردد و این امر با ابزار مهمی همچون دادرسی امکان پذیر است. بنابراین دادرسی یکی از راه های تضمین قانونمندی است که همه مقامات را ملزم به رعایت قانون، برابر کردن امکانات برای همه، تجدیدنظر خواهی از آرای ناصواب در مراجع بالاتر و بالاخره اتخاذ تصمیم به طور کاملاً منطقی و موجه می نماید (۷). بنابراین مبحث دادرسی عادلانه و منصفانه مرکز ثقل هر دادرسی است. جایگاه شناسی دادرسی عادلانه، مهم ترین گفتمان ادبیات حقوقی^{۱۰} است که می تواند حقوق و آزادی ها را چه به شکل فردی و چه به شکل جمعی حفظ

دکتر یعقوب علیزاده و دکتر فاطمه السادات قریشی محمدی: صلاحیت شوراهای حل اختلاف از منظر دادرسی اخلاقی و عادلانه

۳. نقض اخلاق و عدالت: هدف اصلی از تأسیس نهاد شورای حل اختلاف احیای فرهنگ صلح و سازش در راه دستیابی به عدالت واقعی در جامعه برای گسترش زمینه اعتماد مردم به حاکمیت و توسعه مشارکت های مردمی در اجرای عدالت است به عبارت دیگر ترویج فرهنگ و روحیه صلح و سازش است که این مهم از جمله وظایف اعضای شوراهای حل اختلاف می باشد. فعالیت شورای حل اختلاف محدود به صلح و سازش نبوده و در امور کیفری رسیدگی به بعضی از جرائم و اتهامات را نیز بر اساس قانون شوراهای حل اختلاف برعهده دارند و فعالیت شوراهای حل اختلاف به صورت تخصصی نمی باشد و همین موضوع احقاق حق و اجرای عدالت را با مشکلاتی مواجه می سازد. از جمله این موضوع در امور کیفری ملموس تر است و در برخی پرونده ها، نحوه رسیدگی در شورا باعث عدم جمع آوری دلایل و مدارک و در نهایت مختل شدن فرایند تعقیب کیفری می گردد.

۴. نقض حقوق دفاعی متهم^۴: متهم به ارتکاب جرم، مجرم تلقی نمی گردد. از این رو در سیستم های حقوقی دنیا و در قوانین آئین دادرسی کیفری حقوق دفاعی متهم مورد توجه قرار گرفته است. عدم توجه به حقوق دفاعی متهم مطابق قانون آئین دادرسی کیفری ممکن است حتی وصف مجرمانه نیز پیدا نماید بنابراین توجه به این حقوق و رعایت آن ضروری و طبیعی است در شورای حل اختلاف که صلاحیت رسیدگی به امور کیفری را در موارد خاصی عهده دار است نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد فقدان آئین دادرسی مدون و الزامی نبودن تخصص اعضای این حق را با چالش جدی مواجه ساخته است از طرف دیگر صرف حضور قضات دادگستری در شوراهای حل اختلاف و تأیید تصمیم اعضای توسط قاضی شورا وصف دادگاه و رعایت حقوق دفاعی متهم را برای این شوراهای بطور کامل ایجاد نمی کند و عموماً برای مراجعین اقتاع وجدانی برای اجرای صحیح قانون به وجود نمی آید.

۵. کمبود نیروهای تخصصی: قانون شوراهای حل اختلاف علاوه بر صلح و سازش برای رفع اختلافات مردمی^۵ و حل و فصل اموری که ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است صلاحیت رسیدگی و صدور رای را در امور کیفری برای شورا به رسمیت شناخته است بنابراین در بسیاری از موارد ناگزیر از طی مراحل رسیدگی و به عبارت دادرسی منتهی به صدور رای می باشند. از طرف دیگر یکی از شرایط لازم برای دادرسی منصفانه و عادلانه وجود نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده و آشنا به امور قضایی می باشد در دستگاه قضایی ضرورت نیروی متخصص و آموزش دیده در بند ۱۰ اصول اساسی استقلال قضایی مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین مورد تأکید قرار گرفته و آمده است: " اشخاصی که برای مشاغل قضایی انتخاب می شوند باید اشخاصی پاییند به اصول اخلاقی و شایسته و با تحصیلات یا معلومات حقوقی باشند."

در ثبت و پذیرش درخواست های مردم به تبع محاکم قضایی بر خلاف روح قانون و هدف اصلی تشکیل شوراهای حل اختلاف در برخی موارد تزییع حقوق مردم در اثر ناآگاهی آنها از قوانین و یا کم تجربگی اعضاء عمدتاً عدم به کارگیری قضات با تجربه در شوراهای حل اختلاف است (۱۲ و ۱۳).

با توجه این که شوراها برای ایجاد صلح و سازش تشکیل شده اند که باید در لایحه جدید قانون شوراهای حل اختلاف توجه شود. با توجه به تعارض بین حکم و صلح و سازش و رفع ابهامات در خصوص اختیارات شورا و قاضی شورا باید از حضور قضات بازنشسته و یا وکلای عنوان مستشار شورا در شورای حل اختلاف استفاده شود و نیز برگزاری دوره های آموزش برای اعضای شوراهای حل اختلاف در لایحه جدید قانون شوراهای حل اختلاف مدنظر قرار گیرد.

برخی از اساسی ترین آسیب های شورای حل اختلاف عبارتند از (۱۴-۱۶):

۱. سیال بودن: آن چیزی که این شورا را با مشکل مواجه کرده است بحث سیال بودن نیروهای شورای حل اختلاف است، چون در این قانون عضویت را افتخاری دانسته و هیچ تضمینی وجود ندارد وقتی عضوی به شورا آمده، در شورا بماند، لذا شوراهای همیشه نیروهای سیال هستند، یعنی یک عده نیرو می روند یک عده جای آنها می آیند، گاهی عده ای چند سال می آیند تجربه کافی در شورا کسب و بعد با یک کوله باری از تجربه و علمیت از شورا خارج می شوند، البته از جهت کلی برای جامعه خوب است یعنی سطح علم حقوق را افزایش می دهد. اما هیچ تضمینی نیست که بخواهند اعضا انگیزه داشته باشند بعد از این که از جهت علمی خودشان بارور دانستند با توجه به اینکه امکان وکیل شدن، قاضی شدن و جذب در نمایندگی های حقوقی آنها وجود دارد باز بخواهند در شورای حل اختلاف بمانند و به صورت افتخاری و مجانی کار کنند و حتی بیمه هم نداشته باشند، این یکی از اشکالات این قانون است، البته زمانی که افراد معلومات و مدارک قضایی نیز نداشته باشند این مشکلات حادث خواهد شد.

۲. اطلاع دادرسی^۶: همانطور که ذکر گردید یکی از اهداف تأسیس شورای حل اختلاف " قضا زدایی" بوده است هر چند شورای حل اختلاف در خیلی از موارد توانسته که برخی از پرونده ها را از فرایند رسیدگی قضایی خارج نماید و در عمل دستگاه قضایی کشور را که با حجم وسیعی از پرونده ها روبرو است و روز به روز بر تعداد پرونده ها افزوده می شود نیز کمک نماید لیکن نحوه کنونی شوراهای فعالیت آنها باعث برگشت تعداد قابل توجهی از پرونده ها به طرق دیگر به محاکم قضایی می گردند. از طرف دیگر امروزه رسیدگی به پرونده ها در مراجع قضایی جنبه تخصصی پیدا کرده و فقدان نیروهای متخصص در شوراهای حل اختلاف باعث پیچیدگی امور در رابطه با تشخیص صلاحیت شورا گردیده و این موضوع از علل و عوامل اطلاع دادرسی تلقی می گردد و گاهی تزییع حقوق یکی طرفین دعوی تلقی می کنند.

نتیجه گیری

شوراهای حل اختلاف در کشوری سابقه ای دیرینه داشته حتی به قبل از تشکیل خانه های انصاف قبل از انقلاب اسلامی نیز بر می گردد. وقفه حاصل شده حدود ده ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به وضوح نیاز جامعه را به ایجاد چندین محکمه شبه قضایی آشکار نمود. با تشکیل شورای حل اختلاف به نحوه قابل توجهی از مراجعات مردم به دادگستری کاسته شده و بسیاری از دعاوی مردم در این شوراهای منجر به صلح و سازش شده و یا اینکه این دعاوی توسط افرادی از بین خود مردم انتخاب شده اند حل و فصل می گردد. بدین معنا که تصویب قانون شورای حل اختلاف در سال ۱۳۸۷/۴/۱۸ کمی سامان به شوراهای بخشید و در سال ۱۳۹۲ با تغییر قانون مجازات اسلامی صلاحیت شورا محدود شد. اما معایب آن باعث مخدوش شدن یک داوری اخلاقی و عادلانه می شود. در راستای رعایت قواعد و اصول دادرسی لازم است که موضوعات مطروحه در شورا از بدو ورود از حیث سازشی و توافقی تفکیک گردد. موضوعات سازشی بدون رعایت تشریفات دادرسی توسط اعضای شورا و موضوعات توافقی با حضور قاضی شورا در جلسه رسیدگی با رعایت اصول دادرسی و تشریفات حاکم رسیدگی گردد تا بدین نحو در عمل در این مرجع قضایی دادرسی عادلانه محقق شود. امید می رود که برای سامان دهی بیشتر شورا، از حضور قضات جوان یا باز نشسته و یا از وکلای دادگستری با سابقه و هم چنین از کارشناسان مجرب و کارآموده به طوری که بتوانند از تراکم پرونده ها و اطاله آن به دادگستری بکاهند و یا به حد پایین برسانند استفاده شود. و همچنین ارتقاء سطح کیفی شوراهای حل اختلاف از طریق تشکیل جلسات آموزشی برای اعضا

تعیین ضوابط خاص در به کارگیری اعضا در شوراهای تخصصی کردن آنها و پیش بینی حقوق برای اعضا می تواند موجب کاهش ایرادات شورای حل اختلاف شود.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Dispute Resolution Council	شورای حل اختلاف
2. Ethical proceedings	دادرسی اخلاقی
3. Fair proceedings	دادرسی عادلانه
4. Quasi-judicial institution	نهاد شبه قضایی
5. Islamic rules	مقررات اسلامی
6. Arbitration Council	شورای داوری
7. Constitution	قانون اساسی
8. Civil affairs	امور مدنی
9. Moral issue	مساله اخلاقی
10. Legal literature discourse	گفتمان ادبیات حقوقی
11. Human rights	حقوق بشر
12. Citizenship rights	حقوق شهروندی
13. Procrastination of proceedings	اطاله دادرسی
14. Violation of the accused's rights	نقض حقوق متهم
15. Popular differences	اختلافات مردمی

References

- Dezhkhah L. Examining the role of dispute resolution councils in criminal matters. *Jurisprudence and Family Law* 2003; 30: 42-66. (In Persian).
- Abhari H. A critique on the performance of dispute resolution councils. *Law and Political Science Research Paper* 2007; 7: 49-76. (In Persian).
- Gholami A, Rahimi MM. Council for resolving disputes and examining the challenges facing this institution. *Legal Discourse* 2009; 21: 85-96. (In Persian).
- Javan S. The competence of dispute resolution councils in dealing with legal matters. *Legal Discourse* 2012; 21: 85-96. (In Persian).
- Andalib M, Aghaei JanatMakan H. Legal and ethical principles of lawyer interference in the criminal procedure process. *Ethics in Science and Technology* 2021; 16 (3): 1-8. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1400.16.3.1.8](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1400.16.3.1.8)
- Ghanavati J, Mandani E. Ethics and fair proceedings in the light of the predictability of the rules of proceedings. *Ethical Research* 2018; 8(31): 159-183. (In Persian).
- Jahani Mijani V, Seraji M, Farrokhi M. Ethics in the legal system: a fair trial in registered quasi-judicial bodies. *Ethics in Science and Technology* 2022; 17: 16-23. (In Persian).
- Farhadi, H., Shams, A. Realization of a fair trial in quasi-judicial authorities (Dispute Resolution Council). *Private Law Research*, 2022; 10(38): 97-126. doi: <https://doi.org/10.22054/jplr.2022.61878.2591>
- Shafiei Chafi M, Mahdi R. The model of ethical components affecting political development in higher education. *Int. J. Ethics Soc.* 2023; 5 (1): 27-32. Doi: [10.52547/ijethics.5.1.5](https://doi.org/10.52547/ijethics.5.1.5)
- Phaemi N. A critique on the jurisdiction of the Dispute Resolution Council in criminal matters. *Etemad Newspaper* 2013; 2867. (In Persian).
- Maghsoudpoor R, Rezaei Moghadam M. Examining the dispute resolution councils law approved in 49 and comparing it with the previous regulations. *Lawyer* 2017; 16: 51-62. (In Persian).
- Nosrati K. Comparison of dispute resolution council and mediation institution in Iranian criminal law. *Journal of Civil and Legal Sciences* 2018; 1(2): 323-346. (In Persian).
- Karbas Foroosh G, Varvaei A, Tavasolizadeh T. Victims' law seen from the perspective of fair trial and ethics in the criminal procedure code of 2013 and the international criminal court statute. *Ethics in Science and Technology* 2020; 15 (3): 20-25. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1399.15.3.4.4](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1399.15.3.4.4)

14. Ramezani SM, Mirdadashi SM. Implementation challenges of Article 72 of the Law on Dispute Resolution Councils in judicial procedure. 3rd Conference of Religious Studies, Humanities, Jurisprudence and Law in Iran and the Islamic World 2019; 2: 1395-1409. (In Persian).
15. Hormozi K, Salari A, Paseban MR. Competence of dispute resolution councils about handling claims for damage caused by crime. Legal Research Quarterly 2021; 23(92): 97-120. doi: <https://doi.org/10.22034/jlr.2019.158827.1284>
16. Farhadi H, Shams A. Realization of a fair trial in quasi-judicial authorities (Dispute Resolution Council). Private Law Research 2022; 10(38): 97-126. doi: <https://doi.org/10.22054/jplr.2022.61878.2591>